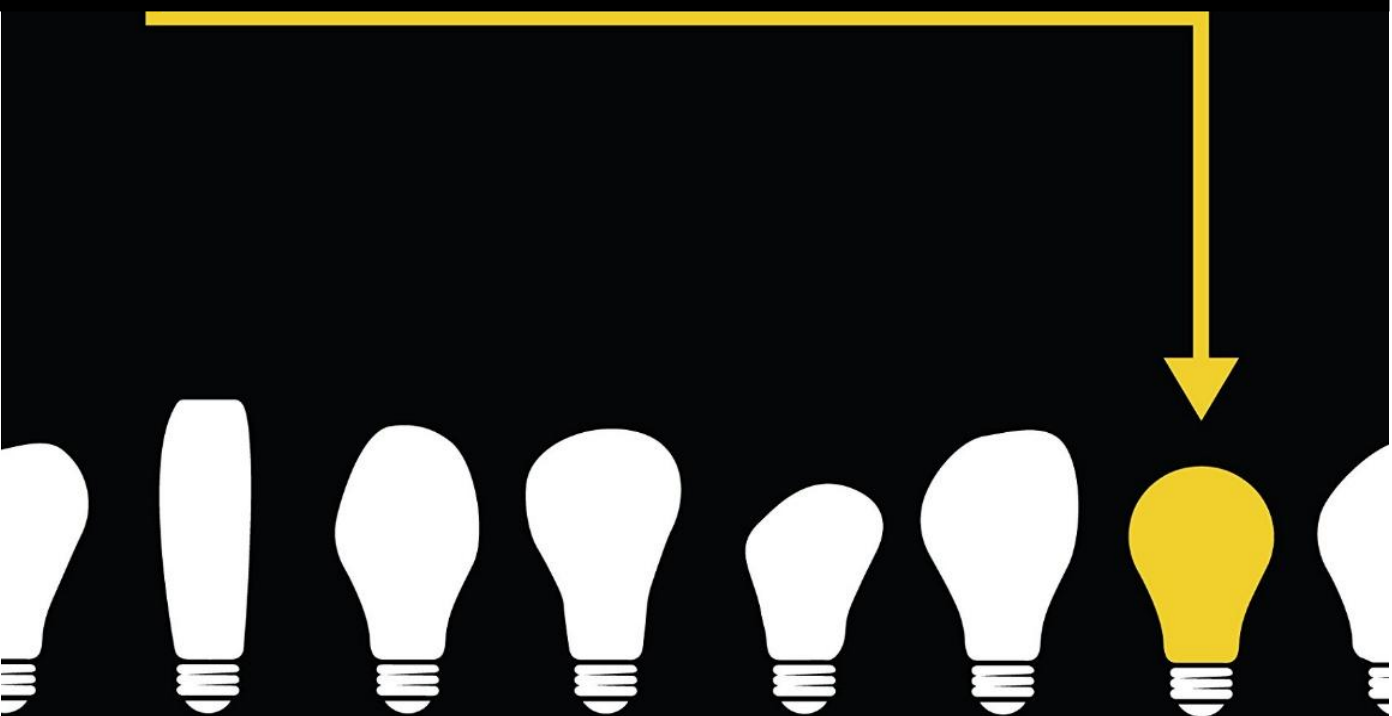


یادگیری

مشارکتی



میشم پاپی مطلق

به نام خداوند صلح

یادگیری مشارکتی

میثم پاپی مطلق



نشر اینترنتی جامعه خردمندان پارسی

این کتاب رایگان است و برای شماست.
انتشار این کتاب به هر نوع در هر تارنما
و پیج شبکه ی اجتماعی که باعث دیده
شدن این کتاب می باشد مجاز می باشد.

سرشناسه

:پاپی مطلق, میثم, ۱۳۶۹-

عنوان و نام پدیدآورنده : یادگیری مشارکتی/پاپی مطلق, میثم

مشخصات نشر : ملایر: نشر لکترونیکی جامعه خردمندان پارسی: ۱۳۹۳

شابک

: ۴۰۰۰ تومان

موضوع

: آموزش

موضوع

: یادگیری

Meisampapi.blog.ir

به جای پیشگفتار

این موضوع که دانش آموزان چگونه یکدیگر را درک کرده و چگونه با هم ارتباط برقرار می کنند جنبه ای فراموش شده از آموزش است . بیشتر زمان آموزش ، صرف ایجاد ارتباط مناسب بین دانش آموزان و مواد آموزشی می شود و مقدار نیز صرف چگونگی تعامل با دانش آموزان می گردد . اما چگونگی ارتباط دانش آموزان با یکدیگر، نادیده گرفته شده است . سه راه اصلی که دانش آموزان هنگام یادگیری می توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند عبارت است از :

- ۱- با هم رقابت داشته باشند تا بهترین فرد مشخص شود (موقعیت رقابتی)
 - ۲- به طور انفرادی به سمت هدفشان پیش روند بدون اینکه توجهی به دیگران داشته باشند (موقعیت انفرادی)
 - ۳- به طور مشارکتی عمل کرده و همان علاقه ای را که یادگیری نیز داشته باشند
- (موقعیت مشارکتی)

موقعیت رقابتی به عنوان وابستگی متقابل مخرب مطرح است که در آن یک شخص برنده و دیگران بازنده می باشند. در موقعیت یادگیری انفرادی ، دانش آموزان مستقل از یکدیگر و برای رسیدن به ملاک های از پیش تعیین شده توسط معلم، تلاش می کنند . موفقیت آنها بستگی به دستیابی به ملاک ها داشته و عملکرد سایرین در نمره ی آنها موثر نیست .

موقعیت یادگیری مشارکتی ، به عنوان نوعی وابستگی متقابل سازنده مطرح است به این معنی که دانش آموزان در گروه های کوچک با هم مشارکت و در یادگیری مطالب به یکدیگر کمک می کنند به طوری که هر یک از آنها در آینده بتوانند به صورت

انفرادی از عهده انجام آن برآیند آنها موفقیت یکدیگر را تحسین کرده و همدیگر را در انجام تکالیف تشویق می کنند و یاد می گیرند که بدون توجه به نژاد ، طبقه ی اجتماعی ، هوش، و یا توانایی متفاوتشان با یکدیگر کار کنند. باید توجه داشت که این سه الگوی تعامل اثرات یکسانی بر یادگیری مهارت ها و مفاهیم در دانش آموزان ندارند ، مهم این است که دانش آموزان یاد بگیرند

که به شیوه ای موثر در هر کدام از این موقعیت ها با سایر دانش آموزان تعامل کرده و قادر باشند بهترین شیوه را انتخاب کنند. در این مقاله به بررسی یادگیری مشارکتی به عنوان یکی از بهترین راه های تعامل بین دانش آموزان و همچنین به عنوان یک روش آموزشی موثر در کلاس درس می پردازیم.

ارکان اصلی یادگیری مشارکتی

تعریفی که جانسون از یادگیری مشارکتی ارائه می دهد به این صورت است:
"کسب اهداف گروهی که در صورت کار انفرادی یا در صورت رقابتی ، نمی توان به آنها دست یافت"

جانسون بر این اساس ۵ رکن اصلی را برای یادگیری مشارکتی ذکر می کند.
باید توجه داشت که این ارکان برای هر نوع رابطه ی مشارکتی موثر- نه تنها

در زمینه ی آموزش بلکه در خانواده ، گروه های کاری بزرگ سالان و ... لازم و ضروری است.

۱- وابستگی متقابل سازنده

اولین و مهمترین عنصر در یک کلاس درس مشارکتی این است که دانش آموزان باور داشته باشند که متقابلاً به یکدیگر وابسته اند، به این صورت که یا همه با هم شنا می کنند و یا با هم غرق می شوند در یک موقعیت یادگیری مشارکتی هر دانش آموز مسئول است که

۱- موارد درسی معین شده را فرا گیرد

۲- مطمئن شود سایر اعضای گروه نیز موارد درسی را فرا گرفته اند.

۲- تعامل تشویق کننده ی رو در رو

به این معنی که اعضای گروه یکدیگر را در رسیدن به اهداف تشویق و ترغیب کنند ، یادگیری یکدیگر را تھسیل نمایند، به طور موثری به یکدیگر کمک کنند، بازخوردهای سازنده به هم بدهند ، نیازهای یکدیگر را برطرف کرده و در استدلالات و نتیجه گیری ها بحث نمایند.

۳ - مسئولیت فردی

سومین عنصر یادگیری مشارکتی آن است که هر یک از اعضا مسئولیت خاصی دارد و هیچ کس نمی تواند بدون این که در فعالیت گروه نقشی داشته باشد، از نتایج کار بقیه ی افراد بهره مند شوند در واقع هدف اصلی مسئولیت فردی آن است که افراد بتوانند تکلیفی را که امروز به طور مشارکتی انجام شده ، در آینده به تنهایی انجام دهند .

راه های ایجاد مسئولیت فردی

- کوچک نگهداشتن اندازه ی گروه
- ارائه ی آزمون جداگانه به هر یک از اعضای گروه
- انتخاب یکی از اعضای گروه به طور تصادفی برای شرح فعالیت انجام شده در گروه به صورت شفاهی.
- مشاهده و یادداشت برداری از فعالیت هر یک از اعضای گروه .
- درخواست از اعضای گروه برای توضیح دادن مطالب آموخته شده به سایر دانش آموزان کلاس.

۴- مهارت های گروهی و بین فردی

چهارمین عنصر یادگیری مشارکتی، استفاده از مهارت های گروهی و بین فردی است. باید به دانش آموزان مهارت های اجتماعی مورد نیاز برای مشارکت گروهی موثر آموزش داده شود. مثلاً دانش آموزان باید یاد بگیرند که :

۱- به یکدیگر اعتماد کنند

۲- افکار و احساسات خود را با دقت و بدون ابهام بیان نمایند

۳- یکدیگر را بپذیرند و از هم حمایت کنند

۴- اختلافاتشان را به طور سازنده ای حل نمایند .

۵- پردازش گروهی

پردازش گروهی به معنای آگاهی از موارد زیر است : عملکرد گروه چگونه است؟ یادگیری چگونه انجام می شود. فعالیت کدام عضو مفید تر است و کدام

یک از فعالیت ها باید ادامه یابد یا تغییر کند؟ چنین پردازشی باعث می شود "

۱- گروه بتواند روابط کاری مناسب را حفظ کند

۲- یادگیری مهارت های مشارکتی تسهیل شود

۳- اعضای گروه بر اساس کارشان باز خورد دریافت کنند

۴- گروه علاوه بر تفکر شناختی به تفکر فراشناختی نیز دست یابد.

پیشینه ی نظری

یادگیری مشارکتی که اولین بار در آمریکا مورد استفاده قرار گرفت به فلسفه ی

جان دیوی در مورد ماهیت اجتماعی یادگیری مربوط است

- ریشه اصلی در دیدگاه ساختارگراها و این که دانش باید توسط خود افراد

ساخته شده و به موقعیت جدید یادگیری گسترش یابد، دیده می شود .

- بر اساس نظر ویگوتسکی می توان استدلال کرد که دانش آموزانی که به تنهایی از عهده ی انجام کاری بر نمی آیند ، هنگامی که از کمک معلم و دوستان بهره مند می گردند چگونگی انجام آن کار را یاد می گیرند .
- از لحاظ نظریه ی شناختی - اجتماعی باندورا، وقتی شرایطی فراهم می آید که دانش آموزان صحیح انجام دادن کاری را توسط دوستانشان مشاهده می کنند و خود نیز انجام آن کار را می آموزند و زمانی که موفقیت خود یا دوستانشان تقویت می شود اشتیاق بیشتری برای انجام آن کار پیدا می کنند .

اجرای یادگیری مشارکتی در کلاس درس

برای اجرای این روش در کلاس، معلم باید فعالیت هایی را طرح ریزی کند که برخی مربوط به قبل از اجراء ، برخی مربوط به زمان اجرا و برخی دیگر مربوط به پس از اجرای برنامه ی مشارکتی است . این فعالیتها در زیر به ترتیب توضیح داده می شود .

الف) فعالیت های معلم قبل از اجرای کلاس مشارکتی

۱- هدف های آموزشی یادگیری مشارکتی را مشخص کند

معلم باید توضیح دهد که چرا از این روش استفاده کرده است، چه منفعی برای دانش آموزان دارد و پیامدهای آن چیست ؟

۲- نقش افرار گروه را معین نماید

در مورد این که معلم خودش باید نقش ها را تعیین کند یا این که نقش ها توسط دانش آموزان تعیین شود اختلاف نظر وجود دارد . مهم آن است که هم اعضای گروه نقش هایی مجزا داشته باشند و هم دانش آموزان نقش یکسانی در تمام کلاس ها ی درس برعهده نگیرند.

۳- اندازه ی گروه ها را تعیین کرده و دانش آموزان را در آنها قرار دهد
اندازه ی گروه بین ۲ تا ۴ نفر می باشد. گروه ها می توانند همگن یا ناهمگی باشند وقتی اعضای گروه مشخص شد ، بهتر است تا مدتی در آن تغییری ایجاد نگردد چون انسجام مجدد گروه زمان بر خواهد بود.

۴- کلاس درس را مرتب کند

فضای کلاس باید طوری مرتب شود که معلم و دانش آموزان به راحتی بتوانند حرکت کنند. لازم است صندلی های اعضای گروه رو به روی هم قرار گیرد به طوری که امکان تعامل رو در رو وجود داشته باشد

۵- تکالیف درسی را مشخص کند

معلم باید تکالیف را با روش آموزشی که به کار می گیرد متناسب نماید. تکالیف گروه یادگیری مشارکتی باید جالب ، چالش انگیز و بر انگیزاننده باشد.

۶- ملاک های موفقیت را توضیح دهد

معلم باید مهارت های گروهی و ملاک های ارزیابی تکالیف را بیان کند. بهتر است این کار با همکاری دانش آموزان انجام شود.

۷ - مواد درسی آموزشی را به گونه ای طراحی کند که وابستگی متقابل ایجاد شود مواد درسی برای گروه مشارکتی باید به گونه ای باشد که همه افراد گروه بتواند در موقعیت گروه سهیم باشند. اگر هر یک از اعضا سهم خاصی در تکلیف نداشته باشد سازمان و انسجام گروه به خطر می افتد .

۸ - رفتارهای مطلوب در کار گروهی را مشخص کند

یک بخش ضروری در موفقیت یادگیری مشارکتی آن است که به دانش آموزان یاد داده شود که چگونه در یک گروه با هم مشارکت کنند. برای این منظور معلم می تواند جلساتی را به آموزش این رفتارهای مطلوب، از جمله احترام

گذاشتن به نظر دیگران، اجازه گرفتن برای صحبت کردن و ... اختصاص دهد

ب (فعالیتهای معلم به هنگام اجرای کلاس مشارتی

در این مرحله معلم باید :

۱- رفتار گروه ها را مشاهده کند

در طی اجرای کلاسی معلم باید در کلاس قدم زده و هر گروه را مشاهده کند .

۲- به نیازهای آنها پاسخ داده و به آنها کمک کند

در حالی که معلم کار گروهها را مشاهده می کند هر زمان که گروه ها نیاز به

اطلاعات بیشتر داشته باشند معلم می تواند پاسخگوی آنها باشد.

۳- در صورت نیاز مداخله کند

هنگامی که معلم در کلاس قدم می زند ممکن است متوجه اختلافات و یا

تعارض هایی در گروه شود، در این مرحله باید مداخله کرده و هر چه سریع

تر تعارض را بر طرف کند و از بروز مجدد آن پیشگیری نماید .

۴- گروه ها را تحسین کند

۵- معلم باید وقتی دانش آموزان کار را به درستی انجام می دهند به آنها بازخورد داده و آنان را تشویق کند.

ج (فعالیت های معلم پس از اجرای کلاس مشارکتی

۱- خلاصه ای از مطلب درس بیان کند

پس از اینکه کار گروه تمام شد، معلم باید نکات اصلی و مهم درس را به طور خلاصه برای همه ی گروه ها بیان کند و او همچنین می تواند از هر یک از گروه ها بخواهد که این کار را انجام دهند .

۲- یادگیری دانش آموزان را ارزیابی کند

معلم باید بر اساس ملاک هایی که در مرحله ی پیش از اجرا تدارک دیده بود، یادگیری دانش آموزان را ارزیابی کنند همچنین مهم است که به دانش آموزان بازخورد فوری از عملکردشان داده شود. چون در غیر این صورت مهارت های یادگیری مشارکتی در آنها پیشرفت نخواهد کرد.

۳- از آنچه در جلسه ی یادگیری مشارکتی اتفاق افتاده یادداشت برداری کند معلم باید در مورد این که در این جلسه چه کارهایی انجام شده و به چه علت بوده است یادداشت برداری کند، این یادداشتها می تواند در اختیار دانش آموزان نیز قرار گیرد. معلم باید از این یادداشت ها در بهبود جلسات آتی یادگیری مشارکتی استفاده نماید .

نکات مفید برای معلمان کم تجربه در یادگیری مشارکتی

- جلسات نخستین یادگیری مشارکتی را با یک سخنرانی کوتاه شروع کنید و پس از آن ، از گروه ها بخواهید که مشغول انجام کار شوند .
- هنگامی که برای اولین بار از یادگیری مشارکتی استفاده می کنید بهتر است گروه ها دو نفره باشند .
- مسئولیت اعضای گروه را روی برگه هایی نوشته و آنها را در اختیار دانش آموزان قرار دهید .

۱- فواید کاربرد روش یادگیری مشارکتی

پانیتز در سال ۱۹۹۶ حدود پنجاه مزیت برای به کار بردن یادگیری مشارکتی عنوان می کند و آنها را در چهار مقوله ی کلی قرار می دهد که عبارتند از

۲- فواید اجتماعی

یادگیری مشارکتی باعث می شود تعاملات اجتماعی ارتقاد یابد. وقتی اعضای گروه نتایج و دلایل خود را توضیح می دهند ، مهارت های ارتباط کلامی رشد می یابد . یادگیری مشارکتی، رفتارهای اجتماعی مناسب را ، که در شرایط مختلف ضروری هستند، الگو قرار داده و دانش آموزان از مهارت اجتماعی مورد نیاز در جامعه و محیط های کاری برخوردار می شوند این روش موجب پذیرش تفاوت های فردی و همچنین در ک دیدگاه دیگران می شود .

۳- فواید روان شناختی

نقش فعال دانش آموزان در امر یادگیری باعث می شود احساس رضایت بیشتری از تجربه ی آموزش داشته و نگرش مثبت تری به یادگیری در آنها ایجاد گردد . در یادگیری مشارکتی فرصت بحث در مورد عقاید و ایده ها

و همچنین دریافت بازخوردهای سازنده وجود دارد که می تواند در شکل گیری و تقویت عزت نفس موثر باشد. همچنین یادگیری مشارکتی محیطی امن برای دانش آموزان ایجاد می کند، زیرا خطاهای فرد قبل از این که در کلاس عنوان شود، توسط همکلاسی های وی و در داخل گروه تصحیح می شود. یادگیری مشارکتی باعث ایجاد انگیزه درونی در دانش آموز می گردد.

۴ - فواید تحصیلی

در یادگیری مشارکتی، دانش آموزان هم از طرف معلم و هم از طرف اعضای گروه تقویت دریافت می کنند که این باعث رشد خودکار آمدی بالاتری در آنها شده و به تبع آن نمرات؛ آنها افزایش خواهد یافت. بر طبق تحقیقات انجام شده یاد آوری اطلاعاتی که از طریق مشارکتی آموزش داده شده بیشتر از سایر روش ها می باشد.

همان گونه که ویسگوتسکی بیان می کند.

وقتی دانش آموزان عقاید و ایده های خود را به صورت کلامی مطرح می کنند، باعث واضح تر شدن مفاهیم برای خودشان شده و مطالب کاملاً در حافظه ی

آنان جای می گیرد. یلذگیری مشارکتی در دانش آموزان ایجاد خود تنظیمی می کند که بر عملکرد تحصیلی آنها تاثیر مثبت خواهد داشت .

۵- فواید ارزیابی

در کلاس های یادگیری مشارکتی معلم می تواند باز خورد فوری به دانش آموزان دهد و بد فهمی آنها را از همان ابتدا تصحیح نماید . ارزیابی تنها بر اساس نمره ی یک فرد در یک امتحان خاص نیست و منابع متعددی از جمله کار گروهی ، فعالیت شخص در گروه ، مسئولیت پذیری او و ... مد نظر قرار می گیرد .

مربیان غالباً در فعال کردن فراگیران در کلاس و نیز کنترل کلاس های فعال دچار مشکل هستند؛ این تحقیق به نحوی به هدف و نقش اینگونه فعالیت ها، شیوه های اداره آنها، اقدامات ترغیبی و کنترل و ویژگی های یک یادگیری فعال و مشارکتی پرداخته است.

فراگیران عمدتاً تحت تاثیر شخصیت مربیان خویش قرار می گیرند، به علاوه مربیان خوب ویژگی هایی را دارا هستند که شناخت آنها می تواند هر مربی

دلسوزی را به سوی یک شخصیت مثبت، کارآمد و باوقار سوق دهد. در این رابطه نیز فصلی پرداخته شده و رابطه آنها با نیازهای فراگیران مورد توجه قرار گرفته است.

از آنجائی که شیوه های نوین تدریس منجر به فعالیت و مشارکت فراگیر در آموزش و یادگیری می شود، لذا در این تحقیق سعی شده انواع روش های تدریس که متکی و مبتنی بر مفاهیم می باشد مورد بحث قرار گیرد و محاسن و مزایای هر کدام مطرح گردیده است؛ بکارگیری هر کدام از روشهای پیشنهادی بر دلایل خاص خود مبتنی است و مسلماً نتایج یکسان در برنخواهد داشت.

مسلماً یکی از شگردها برای مشارکت فراگیر در یادگیری و آموزش استفاده از تجهیزات و تکنولوژی آموزشی می باشد. اگر تا دیروز آموزش تنها از معلمان و مربیان سود می برد و کتاب به عنوان اصلی ترین منبع اطلاعاتی در امر آموزش محسوب می گشت، امروزه آموزش با روش ها و ابزارها و محیطهای جدید ارتباطی روبرو شده است.

پیشرفت‌های اخیر در صنعت رایانه و اطلاع‌رسانی؛ ورود و ظهور شبکه‌های اطلاع‌رسانی محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و به‌ویژه اینترنت؛ چند رسانه‌ای‌ها؛ فن‌آوری‌های ارتباطی، ابزارها و روش‌های جدید را پیش روی طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران و مجریان برنامه‌های آموزشی قرار داده است.

نفوذ فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی به مراکز آموزشی (از مدارس تا دانشگاه‌ها) و حتی منازل، روابط ساده معلمی و شاگردی را به طور کلی دگرگون ساخته است. به این ترتیب، الگوهای سنتی یادگیری متحول شده‌اند و کاربران با حجم گسترده‌ای از اطلاعات و دانش مواجه هستند. لذا فصلی نیز در باب تجهیزات و تکنولوژی آموزشی پرداخته شده است.

هفت قاعده کلی و بنیانی در مورد تدریس و یادگیری

به رغم توسعه کمی آموزش رسمی در چند دهه اخیر، شاهد انتقاداتی از شرایط کیفی تعلیم و تربیت در عرصه‌های مختلف بوده‌ایم؛ شرایطی که موجب پدید آمدن دانش‌آموزان بی‌احساس و بی‌انگیزه، فارغ‌التحصیلان بی‌علم و معلمان فاقد خلاقیت شده است و همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم هر چه سطح تحصیلی

بالا تر می رود شوق آموختن در دانش آموزان کاهش می یابد. ما از دانش آموزان مقطع متوسطه، با توجه به میزان تجارب و افزایش سن، انتظار تحرک، کنجکاوی و استقلال ذهنی و عملی بیش تری نسبت به مقاطع پایین تر داریم، در حالی که در این دوره با افرادی منفعل مواجه می شویم که در حال گذر از مسیر از پیش تعیین شده اند. و اما آن هفت قاعده کلی ...

۱- تشویق تعامل میان معلم و دانش آموزان:

هر جا مجموعه ای از افراد در کنار یکدیگر قرار می گیرند تنها ارتباطات متقابل می تواند زمینه ساز رشد فرهنگی آن ها باشد. کلاس درس، فارغ از افراد تشکیل دهنده آن، یک محیط فیزیکی است، ولی با ورود عناصر اصلی آن یعنی معلم و دانش آموزان، یک محیط اجتماعی محسوب می شود. بنابراین یک قاعده مهم آن است که دانش آموزان در همه امور آموزشی در کلاس خود مشارکت داشته باشند تا از این طریق با مربیان خود به درک و تفاهم متقابل دست یابند. «از سوی دیگر شرکت نکردن دانش آموزان به طور کامل در فعالیت های یاددهی و یادگیری بدان معنی است که آن ها در جریان درگیر نشده اند.» «همدلی و همراهی معلم نیز موجب می شود دانش آموزان موانع دشوار را آسان تر پشت

سر بگذارند و به محیط بیش تر علاقه مند گردند. این ارتباط دو سویه موجب افزایش بهره هوشی دانش آموزان نیز می گردد.»

۲- گسترش همکاری بین دانش آموزان:

«یادگیری زمانی مؤثر است که به صورت تیمی یا مسابقه ای برگزار شود. این کار مستلزم برنامه ریزی و همکاری است. تک روی در یادگیری نتایج مقطعی دارد و بر عکس کارکردن با دیگران رشد یادگیری را افزایش داده، سهمیم شدن در فکر و ایده دیگران را در پی دارد.»

«رویکرد تعاملی که امروزه بر آن تأکید ویژه می شود، در جامعه شناسی تعلیم و تربیت به کنش های متقابل میان گروه همسالان، معلم و دانش آموز، معلم و مدیر، پیشرفت های تحصیلی دانش آموزان، ارزش های معلمان و دانش آموزان می پردازند.

۳- تشویق و توسعه یادگیری فعال:

در فرایند یادگیری، یادگیرنده همانند یک تماشاچی نیست و صرف حضور در کلاس و گوش دادن به سخنان معلم موجبات یادگیری او را فراهم نمی آورد.

زمانی که یادگیرنده به خاطر سپردن و فراگیری به سؤالات انجام می دهد، تغییرات شگرفی را در فرایند یاددهی - یادگیری مشاهده می کنیم. در واقع دانش آموزان باید آموخته های خود را بیان کنند، راجع به آن ها بنویسند، آن ها را به گذشته ربط دهند و در زندگی روزمره خود به کار گیرند تا بتوان گفت که یادگیری به طور مؤثر انجام شده است.

۴- ایجاد بازخورد سریع:

«علم به این که چه می دانیم یا چه چیزی را نمی دانیم، بر یادگیری مؤثر است. دانش آموزان برای این که بتوانند استعدادها و دانش خود را ارزیابی کنند نیاز به کمک دارند و برای این که بتوانند پیشرفت کنند نیاز به فرصت های زیادی در کلاس برای پذیرش القائات و به اجرا در آوردن آن ها دارند. همین طور به فرصت هایی نیاز دارند تا آموخته های خود، آن چیزهایی که هنوز لازم است بدانند و چگونگی ارزیابی خودشان در کلاس را منعکس سازند و این همان معنای بازخورد یا فیدبک است.» در مدل سیستمی که نظام آموزش و پرورش را به عنوان یک سیستم کلی در نظر می گیرد بازخورد به معنای آن است که یک سازمان با کسب اطلاعات درباره نتایج کار خود در فراگرد فعالیت های خود

تجدید نظر به عمل می آورد یا خود را با نیازها و تغییرات سازگار می سازد». این اطلاعات از طریق دانش آموزان در کلاس درس و عکس العمل های آن ها به جریان آموزش حاصل می شود.

۵- تأکید بر استفاده درست از زمان:

زمان انرژی زیاد و مثبتی را برای یادگیری ایجاد می کند. استفاده به موقع از وقت و زمان برای دانش آموزان و افراد مشابه ضرورت دارد و دانش آموزان برای مدیریت زمان نیاز به یادگیری دارند. از دست دادن زمان در طول سال، حجم انبوه کار در آخر سال به دنبال دارد. اگر انتظارات زمان برای دانش آموز، مدرسه و مجریان به خوبی تعریف شود می تواند نتایج مطلوبی برای همه به دنبال داشته باشد.

۶- افزایش سطح انتظارات از دانش آموزان:

اغلب، انتظار زیاد داشتن موجب تلاش بیش تر می گردد. هر جامعه ارزش ها و هنجارهای خاصی دارد و به موجب آن انتظارات و پاسخ های معینی را از افراد طلب می کند. افراد به تدریج از این انتظارات آگاهی یافته، خود را بر اساس آن

ها در معرض داوری قرار می دهند. اغلب در یک کلاس درس فقط از چند دانش آموز انتظار ساعی بودن می رود و مابقی به افراد متوسط و ضعیف طبقه بندی شده، تا پایان سال نیز انتظار از آن ها بر اساس همین تقسیم بندی صورت می گیرد، در نتیجه در یک کلاس کم تر می توان افراد جهش یافته را ملاحظه کرد. «بر اساس دیدگاه جامعه شناختی، افراد طبق انتظارات نقش و هم چنین بر چسب هایی که بر آن زده می شود عمل می کنند.

اگر به دانش آموزای به کرات گفته می شود که کودن است و پیشرفتی نخواهد کرد، ممکن است که او این برچسب را بپذیرد و همان گونه عمل کند. شواهد حاکی از آن است که دانش آموزان بسته به انتظارات معلم، خوب یا بد رفتار می کنند.

۷- پذیرش استعدادهای گوناگون و روش های یادگیری:

راه های زیادی برای یادگیری وجود دارد و انسان ها نیز مدل های مختلفی برای یادگیری دارند. هم چنین استعدادها نیز از یکدیگر متمایزند. برخی دانش آموزان ممکن است در هنر یا در کار آزمایشگاهی مستعد باشند. دانش آموزان به فرصت

نیاز دارند تا هوش و استعداد خود را در یادگیری های مختلف از طریق راه کارهایی نشان دهند.

اگرچه ممکن است پیدا کردن راه کارهای جدید چندان هم راحت نباشد، ولی معلمان زبردست و آگاه می توانند با استفاده از تجارب خود و پس از مدتی به آن ها دست یابند و استعدادهای گوناگون را در یک کلاس کشف کنند و آن ها را توسعه بخشند.

اصولی که ذکر آن رفت به عنوان پایه ای برای تعلیم و تربیت و توسعه آن مطرح شده است و برای کلیه فراگیران، اعم از پیر و جوان، مؤنث و مذکر می تواند کاربرد داشته باشد.

درگیر شدن فراگیرندگان در جریان درس

پیکره اصلی درس بیشتر پرسش، صحبت معلم، مشاهده و عمل را شامل می گردد. شرکت دانش آموزان نیز در فرآیند درس امری حیاتی است. بدین سبب، معلم باید کیفیت سخنرانی خود را امتحان کند. معلمان نباید بار سنگین درس را

به تنهایی بر دوش بکشند. زیرا در این صورت فقط نقش عمل کننده خواهند داشت. فعالیت گروهی در تدریس نقش اساسی دارد.

برای درگیر شدن فراگیرندگان در جریان اصلی درس باید اقداماتی انجام داد که بخشی از آنها به شرح زیر است:

- سوال شفاهی: سوال شفاهی در کلاس سبب می شود که فراگیرندگان، دانش مهارت، نگرشها و تجارب خود را ابراز دارند. به علاوه، از جواب های آنان می توان به عنوان مواد خامی در آموزش استفاده کرد و درس را به صورت تلاشی گروهی درآورد.

- بحث: بحث کردن نیز یکی از شیوه های طرح مسائل برای فراگیرندگان است. معلمان می توانند از طریق بحث زمینه ای فراهم آورند تا دانش آموزان مواد آموزشی را بسط دهند و مقایسه و تحلیل کنند.

- تکالیف: بکارگیری تکالیف نیز دانش آموزان را فعال (کنش آور) نگه می دارد. تکالیف را می توان به صورت انفرادی و یا گروهی ارائه داد. هنگام ارائه تکالیف به صورت گروهی یا انفرادی باید سطح توانایی فراگیرندگان را در نظر گرفت.

دادن تکلیف در حد مناسب باعث می شود که فراگیرندگان کل توانایی های خود برای انجام دادن آن به کار گیرند. مزیت دادن تکالیف به صورت گروهی، در آن است که دانش آموزان می توانند به دانش آموزان دیگر آموزش دهند و آموزش همکلاسی ها به یکدیگر بسیار مفید است و باید مورد تشویق قرار گیرد. بازی نقش، شبیه سازی ها و انواع بازی هایی که جزو تکالیف قرار دارند، حائز اهمیت هستند.

- یادداشت برداری: دانش آموزان را باید تشویق کرد تا در ضمن تدریس یادداشت بردارند. این عمل آنها را فعال می کند و باعث می شود توجه آنان به موضوع تدریس جلب شود و یادآوری این نکته ضروری است که تنها نوشتن و یادداشت نکات کلیدی، یادگیری را تقویت می کند. تحقیقات متعدد نشان داده است دانش آموزانی که در جریان تدریس معلم یادداشت برمی دارند، در یادگیری و به خاطر سپاری و یادآوری موفق تر از سایرین هستند.

دانش آموزان و دانشجویان، مخصوصاً در مراحل رشد و تکامل پایین، اگر در آموختن، شخصاً فعال باشند، و به تناسب مطالب تدریس، حرکت کنند بسیار سریع تر و آسان تر یاد می گیرند تا فقط تماشاگر و شنونده باشند که در شنیدن

عمدتاً حس شنوایی به تنهایی کار می کند و آن هم، معمولاً نه همیشه. در صورتی که در فعالیت یا حرکت هدف مند تقریباً همه حواس محصلان فعال اند. از سوی دیگر، در گوش کردن یا شنوا بودن محض، محصلان هیچ گونه مسئولیتی احساس نمی کنند؛ و این باور کاملاً نادرست را دارند که معلم مسئول یادگیری ایشان است؛ در حالی که وقتی خود محصلان، فعال و متحرک باشند، بیشتر احساس مسئولیت خواهند کرد و طبعاً به یادگیری فعال خواهند پرداخت.

گیج و برلاینر نتایج پژوهشهای همبستگی مربوط به رابطه بین یادداشت برداری فراگیران از سخنرانی معلمان و نمرات آنان در آزمون مربوط به مطالب سخنرانی را مورد بررسی قرار داده و گزارش کرده اند که رابطه بین این دو متغیر در همه پژوهشها مثبت و قابل ملاحظه بوده است. با این حال، برلاینر گزارش کرده است که یادداشت برداری تنها برای کسانی مفید است که دارای حافظه کوتاه مدت قوی هستند، اما کسانی که حافظه کوتاه مدت ضعیفی دارند، اگر تنها به گفتار معلم توجه کنند بیشتر می آموزند. بنابراین، معلم نباید همه دانش آموزان را مجبور کند تا از سخنرانی او یادداشت بردارند، بلکه باید به آنها اختیار عمل

بدهد تا هر کدام که می خواهند و هر وقت که می خواهند از گفته های معلم یادداشت تهیه کنند.

یادداشت برداری به ویژه در مواردی که متن سخنرانی یا مأخذی که بتوان موضوعات ارائه شده در سخنرانی را در آنها پیدا کرد وجود نداشته باشد مفید است. نشان داده شده که دست کم ۶۰ درصد محتوای یک سخنرانی در طول ۲۴ ساعت پس از آن از یاد شنوندگان می رود مگر آنکه در این باره اقدامی انجام گیرد.

یادداشت هایی که هنگام گوش دادن به سخنرانی تهیه می شوند اغلب نامنظم و درهم و برهم هستند. بهتر است برای استفاده های بعدی این یادداشت ها را منظم کرد.

آموزش شاگرد محوری

در روشهای آموزش معلم محوری، مانند روش آموزش سخنرانی، معلم ابتدا هدف های آموزشی خود را در اختیار شاگردان قرار می دهد؛ سپس به اجرای روشهایی که با هدفهای او متناسب اند اقدام می کند، و سرانجام از شیوه های

ارزشیابی برای تعیین مقدار آموخته های یادگیرندگان استفاده می نماید؛ به سخن دیگر، «معلم، چه چیزی آموخته شود» و نیز «چگونه آموخته شود» را کنترل می کند.

در آموزش شاگرد محوری معلم و شاگردان به کمک هم به طراحی آموزش می پردازند. یعنی معلم و شاگردان به کمک هم تصمیمات مربوط به محتوای یادگیری، فعالیت های یادگیری، و روشهای مورد نیاز را اتخاذ می کنند. بنابراین، در این روش آموزشی، دانش آموزان فرصت می یابند تا مسائل و پروژه هایی را که برای آنان شخصاً معنی دار است دنبال نمایند. این سخن به این معنی نیست که در این روش آموزشی معلمان هیچ هدفی ندارند و هیچ هدفی را دنبال نمی کنند. البته در هر آموزشی هدف موجود است و در روش آموزش شاگرد محوری نیز هدف وجود دارد، اما در این روش هدف بسیار کلی تر از هدفهایی است که در آموزش معلم محور به کار می رود. در آموزش شاگرد محور هدفهای یادگیری، نه به صورت اعمال و رفتاری که لحظه به لحظه باید از یادگیرنده سر بزنند، بلکه به صورت راهنماهایی که جهت حرکت او را مشخص می کنند تعیین می شوند.

پس از تعیین هدفهای کلی یادگیر، گام بعدی در آموزش شاگرد محوری ایجاد یک محیط یادگیری است که به یادگیرندگان فرصت بدهد تا ضمن حرکت به سوی هدفها، علائق و توانایی های شخصی آنها مورد احترام قرار گیرد. برای این منظور، می توان از اندیشه ها، مضمون ها و نکاتی که دیدگاههای مختلفی را نشان می دهند استفاده کرد.

یادگیری مشارکتی و گروهی

یادگیری مشارکتی برای انجام دادن انواع فعالیت ها و تکالیف تحصیلی، از یادگیری درسهای مختلف گرفته تا انجام پروژه های تحقیقی، مورد استفاده قرار می گیرد. از جمله مدافعان این روش جانسون و اسلاوین هستند. این روش مخالف روش رقابت فردی است و در آن یادگیرندگان در گروه های کوچک با هم و به کمک هم به یادگیری می پردازند. بنا به گفته جانسون، در روش یادگیری مشارکتی دانش آموزان و دانشجویان «یا با هم شنا می کنند یا با هم غرق می شوند».

روش یادگیری مشارکتی هم پشتوانه های محکم نظری دارد و هم از حمایت های دقیق تجربی برخوردار است. از لحاظ نظری، این روش هم مورد حمایت رفتارگرایان است و هم دیگر صاحب نظران یادگیری. از دیدگاه رفتارگرایان تقویت گروه برای کسب موفقیت از موارد عمده استفاده از روش تقویت در آموزش و یادگیری است. از لحاظ نظریه شناختی - اجتماعی بندورا، وقتی شرایطی فراهم می آید که دانش آموزان درست انجام دادن کاری را در دوستانشان مشاهده می کنند، خود نیز انجام آن کار را می آموزند و زمانی که موفقیت خودشان یا دوستانشان تقویت می شود اشتیاق بیشتری برای انجام آن کار پیدا می کنند.

یادگیری فعال از چندین ویژگی برخوردار است؛ از این قبیل:

- هدف روشن دارد.

- لذت بخش است.

- قابلیت ارزشیابی دقیق دارد.

- برانگیخته است.

- هر سه جنبه شناختی، روانی - حرکتی و عاطفی را با هم دارد.
- مسئولانه انجام می گیرد.
- کمتر خسته کننده است.
- با کنجکاوی و پرسش های آگاهانه و هدف همراه است.
- معمولاً مستلزم استفاده از همه حواس است.
- غالباً مستلزم یادگیری تعاونی یا همیارانه است.
- غالباً کیفی است تا کمی.
- معمولاً نقش راهنمای دقیق را دارد.
- کلاس درس، لذت بخش است.
- ارزشیابی در اوقات معین و مخصوص ضرورت ندارد.
- به ارضای نیازها و رغبت های متعدد یادگیرنده کمک می کند.
- به پاداش ها یا امتیازهای غیر ضروری یا رشوت وار نیاز ندارد.
- تمرین دروس یا انجام دادن تکلیف های درسی را آسان و شوق انگیز می کند.

- فرآیند «فیدبک» به سهولت انجام می گیرد.

- کمک آموزشی خانواده ها را روشن روشن و آسان می کند.

این قاعده، تقریباً در آموزش یا تدریس هم صادق است. به این معنا معلمی که در کلاس، فعال باشد، و به تناسب موضوع درس، حرکت کند بسیار موثرتر از معلمی خواهد بود که پشت میز کلاس، همچون رستوران غذاخوری، ساکت بنشیند و تنها حرف بزند.

آموزش فعال نیز از اینگونه خصایص برخوردار است:

۱- یادگیرنده (محصل) را فعالانه در آموختن شرکت می دهد.

۲- فرآیند یادگیری را از نیازها، علایق، درک و فهم یادگیرندگان آغاز می کند.

۳- تجربه یادگیری را به گونه ای سازمان می دهد که یادگیرنده را در روشن ساختن و اظهار نیازهایش یاری کند.

۴- نقش معلم، راهنمای یادگیری و یادگیرنده و آسان کننده یادگیری است که

عمدتاً با فراهم آوردن شرایط یا موقعیت مساعد انجام می گیرد.

۵- با این باور آغاز می شود که همهٔ محصلان از استعدادها و توانایی های لازم برای یادگیری برخوردارند مگر اینکه خلافش ثابت شود.

۶- مسئولیت و کنترل یادگیری را میان معلم و محصل توزیع می کند.

۷- آموزش را فرآیند تعاملی می داند.

۸- مرتباً بر استقلال یادگیرنده یا محصل می افزاید؛ یعنی او را به سوی خودآموزی یا خودگردانی در یادگیری هدایت می کند.

۹- محصلان را به خودآزمایی یا ارزشیابی معلومات خویشان بر می انگیزد.

۱۰- ارزشیابی رسمی یا امتحان را نوعی آموزش و یادگیری تلقی می کند نه صرفاً وسیلهٔ تغییر کلاس یا ارتقاء.

ساختار مدرسه نیز باید طوری باشد که فعالیت و حرکت محصلان و معلمان را برانگیزد. تهیه و تدارک چنین مدرسه ای عمدتاً به عهدهٔ مدیریت مدرسه و همکاری صادقانه و صمیمانه معلمان، محصلان و اولیای محصلان است.

این نوع یادگیری مشابه کلاس مجازی است با این تفاوت که کل جریان را فرد خاصی مدیریت نمی کند. یادگیرندگان به صورت همزمان اما از مکانهای مختلف

با هم دیدار می کنند و با هم به یادگیری می پردازند. عناصر مورد نیاز این نوع یادگیری مشابه مواردی است که در کلاس مجازی نیاز است. برای یادگیری گروهی، ارتباط در سطح بسیار گسترده ای باید به وجود آید، زیرا هر یادگیرنده باید با سایر افراد گروه به تبادل اطلاعات بپردازد.

محیط آموزشی الکترونیکی باید کیفیت آموزش را ارتقا دهد. یعنی یادگیرندگان باید بتوانند از هر جا و هر زمان اقدام به فراگیری کنند. مساله دیگر این است که تعامل یادگیرنده با محتوای آموزشی و تاثیر گذاشتن بر سرعت فراگیری، باعث رشد یادگیرنده می شود. یادگیرنده، جریان یادگیری را با تقاضاهای فردی خود هماهنگ می کند که باعث افزایش انگیزه های او می شود. یک نظام آموزشی مبتنی بر فناوری اطلاعاتی باید بتواند محتوای آموزشی و ابر داده ها را تولید و بازبینی کند، دوره های آموزشی را ارائه و کنترل کند، قسمتهای مختلف دوره آموزشی را از طریق ساز و کارهای بازیابی تولید نماید و به عنوان کتابخانه، منابع آموزشی را انتخاب کند و زمینه مشاوره یادگیرندگان با آن را فراهم گرداند.

به این ترتیب مشاهده می شود که ما در محیط یادگیری الکترونیکی و به خصوص محیط یادگیری مبتنی بر شبکه؛ به مجموعه ای از منابع مورد نیاز

یادگیرندگان؛ جایی که این منابع؛ انتخاب و گردآوری شده باشند؛ ابزارهای ارتباطی و یک یاد دهنده که کار مدیریت یادگیری را بر عهده بگیرد، نیازمندیم.

یادگیری فردی

این یادگیری فرآیندی است که جنبه انفرادی دارد و در درون فرد انجام می شود. معمولاً نتایج یادگیری را با تغییراتی که در رفتار انسان به وجود می آید اندازه گیری می کنند. علیرغم این حقیقت که یادگیری امری است فردی، بسیاری از موقعیت هایی که در مدرسه تدارک دیده می شود بیشتر متوجه گروه است تا فرد.

اغلب روانشناسان تربیتی توصیه کرده اند که آموزش مدرسه ای باید به گونه ای سازمان یابد که هر شاگرد به تنهایی به امر یادگیری مشغول شود. با این روش، برای هر فرد فعالیت یادگیری ویژه ای که با سرعت پیشرفت او مطابقت داشته باشد، معین می شود. روش یادگیری فردی با سطح توانایی و علایق هر شاگرد مطابقت می یابد.

این روش در مکتبخانه های قدیم ایران به کار می رفت و امروزه هم در برخی کشورها با استفاده از بسته های آموزشی (Kit) که ویژه این نوع یادگیری است از این روش استفاده می شود. به این ترتیب که هر شاگرد مطابق توانایی و معلوماتش بسته ای دریافت می کند که در آن برایش تکالیف و فعالیت های معین شده است. پس از انجام تکالیف، چنانچه توانست از عهده پاسخگویی به سوال های آزمونی که از او گرفته می شود برآید، بسته دیگری که حاوی مطالب مشکل تری است به وی تحویل می گردد. اما اگر موفق به گذارانیدن آزمون نشود، مطالب کمکی و اضافی در اختیار او قرار می گیرد. یادگیری فردی موجب تقویت استقلال فکری و توانایی تصمیم گیری می شود.

مطالعه مشارکتی

از دیرباز روش با هم مطالعه کردن یکی از روشهای شناخته شده و موثر یادگیری در میان دانش آموزان و دانشجویان بوده است. در روش مطالعه مشارکتی یادگیرندگان به صورت دو نفری با هم کار می کنند و به نوبت خلاصه مطالبی را که می خوانند برای هم می گویند. ابتدا یکی از دو نفر یادگیرنده نقش توضیح

دهنده را به عهده می گیرد و نفر دوم وظیفه اش گوش دادن است؛ و در نوبت بعد نفر دوم توضیح می دهد و نفر اول گوش می کند.

کتابخانه‌های کلاسی، بستر چالش ذهنی دانش‌آموزان

کلاس درس، در واقع کارگاه آموزشی و یادگیری است نه صرفاً کتابخوانی؛ واقعیت روان شناختی که باید به آن اشاره کرد، این است که مدرسه یا دانشگاه و کلاس درس، بر خلاف تصور بسیاری از اولیای آموزش و پرورش کشور، مکانی صرفاً برای خواندن کتاب هایی با صفحات و مطالب معین و غالباً کهنه و جامد نیستند، بلکه موقعیت یا شرایط زمانی / مکانی برای کار و تلاش زیر عنوان «یادگیری و آموزش» می باشند که معلمان و محصلان و مدیریت با هم و هدفمند به هدایت یادگیری و آموزش می پردازند. مدیر مدرسه یا دانشگاه، خود را مدیر زمان/ مکان یا فراهم آورنده زمینه و موقعیت مساعد برای آموزش و یادگیری فعال و موثر می داند، نه صرفاً یک مامور دولت برای کنترل نهاد آموزشی؛ و معلمان به رهبری و هدایت یادگیری و یادگیرندگان تلاش می کنند، و تدریس یا آموزش را جز «تحریک و راهنمایی یادگیری» یا مساعد کننده محیط

(موقعیت) برای یادگیری فعال و زندگی سالم نمی دانند. چنین مدرسه ای طبعاً سالن نمایش و سخنرانی محض تلقی نخواهد شد، بلکه کارگاهی است آموزشی که مدیر و معلمان و محصلان و شکل تعاملی، فعالیت می کنند. مدرسه، یا مرکز یا منبع معتبر یادگیری است که برای همگان، برانگیزنده و لذت بخش است؛ و معلمان و محصلان از همدیگر می آموزند. بر در ورودی چنین مدرسه یا دانشگاهی نوشته شده است: «کارگاه آموزشی برای یادگیری موثر و مطمئن !!!».

بدیهی است که چنین کارگاه آموزشی، به تجهیزات خاصی نیاز دارد که مدیریت مدرسه یا دانشگاه باید آنها را فراهم کند و چگونگی استفاده از آنها را تحت نظر بگیرد.

تغییر رویه آموزش و پرورش از نظام رقابتی به نظام مشارکتی برنامه‌ای است که در چند سال اخیر ذهن مسئولان این وزارتخانه را مشغول کرده است و البته تحقق بخشیدن به این طرح نیازمند تغییر زیرساخت‌ها و شیوه‌های آموزش و یادگیری و بکارگیری روش‌های نوین تبادل اطلاعات میان دانش‌آموزان و معلمان است. استفاده از فناوری، ایجاد کلاس‌های فعالیت محور با بهره‌مندی از اینترنت، ایجاد کتابخانه‌های صوتی - تصویری، ارتباط دانش‌آموزان با کلاس‌های مجازی

و ایجاد کتابخانه‌های کلاسی و... همگی سعی در پرورش دانش‌آموز پژوهنده و نه صرفاً ضبط‌کننده اطلاعات دارند. امروزه آموزش و پرورش بعد از سالها تجارب گوناگون در شیوه‌های آموزشی سعی در برگزاری کلاس‌هایی دانش‌آموز محور دارد که در این کلاس‌ها دانش‌آموزان با استفاده از ذخیره اطلاعاتی خود و رهنمودهای آموزگار، خود مسیر یادگیری را گام به گام می‌پیمایند. بدین ترتیب فرآیند یادگیری سهل‌تر و پایدارتر خواهد بود و دانش‌آموزان تنها به مطالب درسی بسنده نمی‌کنند، بلکه ذهن خلاق آنها درگیر مطالبی فراتر از کتاب می‌شود. در عین حال دانش‌آموز برای جوابگویی به سوالات فراوان شکل گرفته در ذهن خلاق خود علاوه بر آموزگار، احتیاج به مرجعی مناسب دارد. معاونت آموزش عمومی آموزش و پرورش نیز به منظور برگزاری کلاس‌های دانش‌آموز محور و فعالیت محور، اقدام به ایجاد کتابخانه‌های کلاسی کرده است. دسترسی آسان به کتاب، نهادهای سازنده فرهنگ کتابخوانی و انس با کتاب از مهمترین اهداف تشکیل کتابخانه‌های کلاسی است.

کتابخانه‌های کلاسی با تعداد حداقل ۳۰ جلد کتاب در کلاس درس چندین مدرسه ابتدایی کار خود را آغاز کردند. هر دانش‌آموز کتاب دلخواه را انتخاب و

تا زمان اتمام مطالعه، آن را نزد خود به امانت نگه می‌دارد و بعد از قرار دادن کتاب قدیمی در کتابخانه، کتاب جدید دلخواه را به امانت می‌گیرد. او می‌تواند در صورت تمایل کتاب‌هایی که در خانه مطالعه کرده را به کتابخانه کلاس هدیه دهد. بدین ترتیب هر دانش‌آموز تا پایان سال تحصیلی حداقل ۳۰ کتاب را خوانده است و البته کتاب‌ها با تنوع در موضوعات از جمله علمی، اخلاقی، داستانی، تخیلی و... به نیازهای تنوع طلبی ذهن دانش‌آموزان پاسخ می‌دهد.

سیستم به دور از بایدها در امانت گرفتن کتاب‌ها و زمان تحویل آن و نزدیکی دانش‌آموزان به فضای کتابخانه و مشاهده آن در تمامی طول کلاس درس احساس تعلقی و نزدیکی در دانش‌آموزان نسبت به کتاب‌ها به وجود می‌آورد. در این حالت دانش‌آموز سرشار از شوق و کنجکاوی به دانستن و مکاشفه کتاب است. بدین ترتیب دانش‌آموز کتاب را می‌خواند، پاسخ می‌گیرد و سوال می‌سازد. در نتیجه وظیفه یادگیری دانش‌آموز انجام می‌شود و ذهن او به چالش می‌افتد.

براساس نتایج نظرسنجی که از منظر دانش‌آموزان مناطق نوزده‌گانه تهران در خصوص تاثیر کتابخانه‌های کلاسی در گسترش فرهنگ گفت‌وگو و تعامل بین دانش‌آموزان صورت گرفته است، ۴۳ درصد عالی و ۹ درصد عملکرد آن را

ضعیف ارزیابی کرده‌اند. نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد که ۶۵ درصد دانش‌آموزان ایجاد کتابخانه کلاسی را برای دسترسی آسان و سریع به کتاب عالی، ۳۳ درصد خوب، ۸ درصد متوسط و ۶ درصد ضعیف توصیف کرده‌اند. ترغیب و تشویق دانش‌آموزان به کتاب و کتابخوانی (مطالعه) به واسطه کتابخانه کلاسی به ترتیب ۷۳ درصد عالی، ۲۰ درصد خوب، ۳ درصد متوسط و یک درصد ضعیف ارزیابی شده است.

برپایه این نظرسنجی تاثیر تحلیل و نقد و بررسی کتاب‌های کتابخانه کلاسی در کلاس ۵۰ درصد خیلی خوب، ۴۳ درصد خوب و ۹ درصد ضعیف بوده است. همچنین ۸۰ درصد دانش‌آموزان کتابخانه‌های کلاسی را نسبت به تشویق و ترغیب به تحقیق و مطالعه عالی و ۳ درصد آن را ضعیف می‌دانند.

علاقه دانش‌آموزان نسبت به تجهیز کتابخانه‌های کلاسی در جمعیت آماری در نظر گرفته شده به ترتیب ۸۵ درصد بسیار زیاد، ۱۷ درصد زیاد، ۷ درصد متوسط و ۶ درصد ضعیف گزارش شده است.

همچنین درخصوص ارتباط مطالب کتاب‌های درسی با کتاب‌های داخل کتابخانه کلاسی ۴۹ درصد میزان تطابق را خیلی خوب، ۵۴ درصد خوب، ۹ درصد متوسط و ۳ درصد ضعیف عنوان کرده‌اند.

کسب آمادگی و تقویت توانایی‌های معلم

مطمئناً برای یک آموزش موفق، نیاز به یک مربی کارآزموده و دلسوز می‌باشد؛ اما مربی بایستی از قبل دارای آمادگی شود تا در کلاس بتواند آنچه را که می‌داند انتقال دهد. بطور کلی همچنانکه پیش از شروع هر درس معلم آمادگی لازم را برای آن کسب می‌کند، در تمام طول دور تدریس و در بین دوره‌ها نیز لازم است تا وی در اندیشه پرورش و تقویت توانایی‌های خویش باشد و با ارزیابی مستمر عملکرد خود و مقایسه آن با عملکرد موفق دیگران، در جستجوی دریافت نکات تازه تری بوده و سپس با اقدامات متناسب و با اعمال برنامه ریزی‌های جدید، خود را در مسیر تعالی به پیش ببرد.

هر قدر معلم از شخصیت انسانی والایی برخوردار باشد، اما از نظر علمی در زمینه بحث مورد تدریس و یا از لحاظ بنیه جسمی ضعیف و ناتوان باشد، در

این صورت مورد قبول فراگیرندگان واقع نخواهد شد. معلمی که نتواند به پرسش های فراگیرندگان خود پاسخ درست و راهگشا بدهد، در کار خود با شکست مواجه خواهد شد. در این خصوص معلم برای تقویت بنیه علمی خود، ضمن تسلط کامل بر مفاد درس مورد ارائه، لازم است تا نسبت به شیوه های مختلف تدریس، فنون برقراری ارتباط و حتی دانشهای جدید مربوط به علوم روانشناسی، جامعه شناسی و علوم تربیتی نیز حداقل آگاهی لازم را داشته باشد.

استفاده از تمرین های ذهنی (همچون مطالعه در زمینه مفاهیم مذهبی، فلسفه، ریاضیات و هندسه، حل معما و جدول و امثال آن) عامل اثر بخشی است که می تواند به سلامت روح و افزایش وسعت اندیشه، قدرت تجزیه و تحلیل و سرعت تفکر معلم کمک شایانی بنماید. رعایت اعتدال در خواب و خوراک و دیگر مسائل شهوانی نیز برای حفظ سلامت ذهن و قدرت اندیشه امری ضروری است.

یادگیری معلم را بر یادگیری محصل مقدم بشماریم.

برای معلمی «حد کفایت» معلومات وجود ندارد و نمی توان حتی بالاترین مقطع تحصیلات رسمی را برای «معلم موثر» شدن مشخص کرد و آن را کافی پنداشت. معلم، با توجه به فرآیند زندگی انسان، ناگزیر است مدام یاد بگیرد و به بازاندیشی و فراتر اندیشی پردازد که در این صورت، می تواند محصلانش را به «آموختن» برانگیزد. تا معلم خودش یاد نگیرد و مطالعه مداوم نداشته باشد ناگزیر است محصلان را از یادگیری معذور دارد !! پس، سازمان مسئول آموزش و پرورش رسمی کشور باید پیش از آنکه به محصلانش بیندیشد و برنامه ریزی کند برای معلمانش فکر کند و برای افزایش معلومات و راهنمایی شغلی ایشان برنامه ریزی کند.

معلم واقعی ...

دکتر حداد عادل جمله ای را به این مضمون مطرح کرد که: «معلم واقعی کسی است که سفیدی های کتاب را تدریس کند؛ زیرا مطالبی را که مؤلف در کتاب آورده، تدریس آن کم و بیش از عهده هر مدرسی بر می آید و چون مؤلف نمی تواند هر چه را که می خواهد؛ در صفحه کتاب بریزد، معلم، دبیر و مدرس باید

برای جاهای خالی بین سطرها، مطالبی که مربوط به آن مبحث است، پیدا کند و درباره ی آن ها با دانش آموزان صحبت کند.

سخن پایانی

این توانایی که دانش آموزان یاد بگیرند به طور مشارکتی با هم کار کنند ، یکی از عوامل مهم تقویت مهارت های اجتماعی، ایجاد دوستی های پایدار، ادراک دیدگاه دیگران و ... می باشد . داشتن مهارت هایی از قبیل : خواندن ، صحبت کردن، گوش دادن،نوشتن ، محاسبه کردن، قدرت حل مساله و ... ارزشمند می باشد اما اگر افراد نتوانند این مهارت ها را در تعاملات اجتماعی خود ، در مشاغل و محیط کاری، در محیط خانواده و دیگر محیط های اجتماعی به کار ببرند، همه ی آنها کاملاً بلا استفاده خواهند بود.

منطقی ترین راه آن است که این مهارت ها از راه یادگیری مشارکتی در یک قالب اجتماعی قرار گیرند. بنابراین باید تاکید کرد که یک قسمت سالم و موثر در آموزش ، یادگیری مشارکتی است.

منابع :

۱. برگرفته از « یادگیری از طریق همیاری »
۲. انتشارات : مؤسسه منظومه ی خرد (آموزش ، مشاوره ، تحقیق)
۳. « گروه آموزشی دوره ی پیش از دبستان استان اصفهان »
4. <http://yasinznu.blogfa.com>
5. <http://www.kkhec.ac.ir>
6. <http://edc.recent.ir>

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	ارکان اصلی یادگیری
۳	وابستگی متقابل سازنده
۳	تعامل تشویق کننده ی رو در رو
۴	مسئولیت فردی

۴	راه های ایجاد مسئولیت فردی
۵	مهارت های گروهی و بین فردی
۵	پردازش گروهی
۶	پیشینه ی نظری
۶	اجرای یادگیری مشارکتی در کلاس درس
۱۰	نکات مفید برای معلمان کم تجربه در یادگیری مشارکتی
۱۱	فواید کاربرد روش یادگیری مشارکتی
۱۱	فواید اجتماعی
۱۱	فواید روان شناختی
۱۲	فواید تحصیلی
۱۲	فواید ارزیابی
۱۴	هفت قاعده کلی و بنیانی در مورد تدریس و یادگیری
۱۵	تشویق تعامل میان معلم و دانش آموزان
۱۵	گسترش همکاری بین دانش آموزان

۱۶	تشویق و توسعه یادگیری فعال
۱۶	ایجاد بازخورد سریع
۱۷	تأکید بر استفاده درست از زمان
۱۷	افزایش سطح انتظارات از دانش آموزان
۱۸	پذیرش استعدادهای گوناگون و روش های یادگیری
۱۹	درگیر شدن فراگیرندگان در جریان درس
۲۲	آموزش شاگرد محوری
۲۳	یادگیری مشارکتی و گروهی
۲۸	یادگیری فردی
۲۹	مطالعه مشارکتی
۲۹	کتابخانه های کلاسی، بستر چالش ذهنی دانش آموزان
۳۳	کسب آمادگی و تقویت توانایی های معلم
۳۵	یادگیری معلم را بر یادگیری محصل مقدم بشماریم.
۳۵	معلم واقعی

سخن پایانی

۳۶

منابع

۳۷